

روش امام موسی صدر در همزیستی ادیان

مریم گمشاد

کارشناسی ارشد علوم سیاسی، مفید قم

نام نویسنده مسئول:

مریم گمشاد

چکیده

این مقاله بر آنست با استفاده از روش کتابخانه ای تسامح و همزیستی در اندیشه امام موسی صدر را بررسی کند. از نظر امام، دین نقطه آغاز تمدنی انسان را آغاز می کند. تمدن در نظر ایشان، تعامل انسان با هستی است. انسان برای تعامل با هستی ابتدا باید خود را تربیت کند. در نظر صدر یکی از نتایج اعتدال حکومت عقل است که این معنا از اعتدال به اجتماع سرایت می یابد که در آن همبستگی و پیوستگی جامعه را در پی دارد. ایشان صلح و تسامح را نشانه ایمان تلقی می کند که همه ادیان به آن باور دارند که عبارت است از بالابردن شأن نیروی برادری در وطن واحد، از طریق محبت و تسامح. امام صدر شیوه جدیدی از گفت و گو را ایجاد کرد: احترام به انسان، احترام به دیدگاهها و عقاید انسان ها، رفع ابهام، قییم ندانستن خود نسبت به دیگری و نسبت به انسان، سخن نگفتن از طرف انسان و اجازه دادن به اینکه خود او سخن و دیدگاهش را بیان کند و اجازه ندادن به ستمگرانی که در حکم معبودان زمین هستند و می خواهند اراده خودشان را بر انسان تحمیل کنند..

کلمات کلیدی: تمدن، اعتدال دینی، جامعه متکثر، گفت و گو .

مقدمه

زمانی که امام موسی صدر در عراق مشغول تحصیل بود، دین در آن هنگام در حوزه سیاسی و اجتماعی کاملاً کم رنگ شده بود و دولت های اسلامی وضعیت معیشتی مناسبی نداشتند. امام موسی صدر در این شرایط که جوامع اسلامی با بحران اقتصادی و فرهنگی روبه رو بودند، خواهان تغییر و اصلاح با توجه به شرایط زمانی و مکانی جهان امروز بودند. امام موسی صدر در طول زندگی خود در لبنان بر این اعتقاد بود که روحانیون فقط نباید در مسجد یا حوزه حضور پیدا کنند بلکه باید در بین مردم و جامعه باشند و برای حل مشکلات آنها اقدام عملی کنند. از نظر صدر ادیان وظیفه داشتند تا زندگی انسان را ارتقاء دهند. تعامل و ارتباط مردم در طول زندگی صدر در لبنان به صورت عملی اجرا شد. امام موسی صدر در مباحث اجتماعی و تمدنی بر اساس دیدگاه تو حید محور قصد داشت را بر اساس اعتدال دینی در جامعه حکمفرما نماید. تمدن در نظر امام موسی صدر از مباحثی بود که به آن توجه می کرد. هانتیگتن از جمله نظریه پردازانی بود که بر خورد تمدن ها و رویارویی تمدن ها را مطرح کرد و برتری تمدن غرب را نسبت به دیگر تمدن ها بر جسته کرد. اما دیدگاه تمدنی موسی صدر، همزیستی مسالمت آمیز و تعامل در درون جامعه لبنان و رابطه دوستانه با سایر ادیان در سطح جهان بود.

صدر به اجرایی شدن اعتدال دینی در جامعه متکثر اعتقاد دارد. فیرچی اعتقاد صدر به اعتدال دینی در جامعه متکثر را این گونه بیان می کند: «در حقیقت من همه مجالس، فرقه ها و مذاهب و تجمع هایی را که به نام دین تشکیل می شود محترم می شمارم و در نظر من تدین غیر از فرقه گرایی است. در حال حاضر سه شعار وجود دارد: سکولاریسم، فرقه گرایی و اعتدال دینی. که ما اعتدال دینی را تدین می نامیم. تدین و ایمان به الله که خداوند همه است» (فیرچی، ۱۳۹۵: ۳).

امام موسی صدر در هنگام ورود به لبنان پیام همزیستی و تسامح با ادیان را سر داد. ظلم، خشونت، عدم درک دیگران، غیبت و بدبینی به دیگر ادیان مواردی هستند که اعتماد و تفاهم را امکانپذیر نمی سازد. موسی صدر با پیام تسامح و احترام متقابل و محبت و درک دیگران توانست از همه ادیان در جامعه لبنان به عنوان سرمایه ملی استفاده کند. بکارگیری گفت و گوی سازنده از موارد مهمی بود که امام صدر با توجه به تعالیم اسلامی در جامعه لبنان برای همزیستی آغاز کرد.

سوال اصلی: روش امام صدر در همزیستی ادیان بر چه اساسی است؟

فرضیه تحقیق: صدر به نوعی حکومت مردمی که ارزش های الهی و انسانی محترم شمرده می شود اعتقاد دارد که در آن همه آرای و مشارکت های اجتماعی اهمیت دارد. صدر از انسان به عنوان عامل تمدن ساز یاد می کند که دین اسلام ظرفیت تمدن های جدید را دارد. جامعه لبنان آن روز نشان دهنده جامعه متکثری است که بین دین، مذهب و فرهنگ های گوناگون صلح و هم زیستی ایجاد شده بود که زمینه ای برای پیشرفت و عدالت اجتماعی و اقتصادی را ایجاد کرده بود. صدر، هم زیستی در جامعه متکثر را از طریق اعتدال دینی امکانپذیر می داند. همزیستی در جامعه را با توجه به اصول و قواعد گفت و گو ی صحیح گفت و شنودی و درک و پذیرش دیگری امکانپذیر می داند.

ویژگی های تمدن در نظر امام صدر

امام موسی صدر در شروع فعالیت های اجتماعی اش در نشریه مکتب اسلام مباحث تمدنی را مورد توجه قرار داد. امام موسی صدر در مباحث تمدنی، دو تمدن غرب و شرق را مطرح می کند و انقادهای خود را نسبت به تمدن غربی به عنوان رقیب تمدن اسلامی مطرح می کند. امام صدر با مطرح کردن تمدن شرقی و اسلامی در صدد باز سازی تمدن نوین اسلامی بود. «مهم ترین نکته در آموزه تمدنی امام صدر «دین و انسان» است. انسان به عنوان عامل و فاعل تمدن سازی و دین به عنوان محتوا و هدف تمدن مطرح می شود. امام در سخنی می فرماید: «دین اسلام ظرفیت ایجاد تمدن های جدید را دارد». امام موضوع تحول، پیشرفت و تمدن را به نوعی تعامل انسان با هستی و حیات می دانند. تمدن در نظر ایشان، تعامل انسان با هستی است. از نظر امام تمدن تفاوت هایی با فرهنگ دارد و فرهنگ اصولاً تعامل انسان با خویشتن خویش است. انسان فاعل و عامل تمدن است و باید با تعامل خویشتن، خویش را تربیت کند و اگر می خواهد به کمال برسد باید با هستی تعامل برقرار کند.

اگر انسان در مرکز نگاه تمدنی امام صدر قرار دارد و اگر دین نقطه آغاز حرکت تعاملی را تعیین می کند، آنگاه به باور ایشان تمسک به قرآن فهم روزآمد را در اختیار انسان قرار می دهد. از نظر امام موسی دین به عنوان یک نقطه کانونی از ظرفیت تمدن سازی برخوردار است. به طور کل نگاه امام به دین تلاش برای از نو ساختن انسان است. ایشان در تمدن های غیردینی بحث تمدن غرب را پیش کشیده و سولاتی در نقد آن مطرح می کنند. امام صدر موفقیت صدر را تنها پیشرفت مادی تلقی می کرد و در حوزه های انسانی پیشرفتی نداشته اند» (لکزایی ۱۳۹۵: ۲).

«امام موسی صدر تعریف دیگری را نیز از تمدن ارائه کرده و بر این اساس تمدن را در تعامل با حیات و هستی دانسته اند که در عنصر مدنیت می تواند خودش را شکل بدهد. به عبارتی تمدن تعامل با خویشتن خویش است که به خود انسان باز می گردد. بنابراین عامل و کارگزار

تمدن خود انسان است. انسان است که با اراده آزاد خودش به سمت تمدن سازی می‌رود. طبیعتاً تفاوت‌ها در عرصه تمدن هم از این نقطه نشأت می‌گیرد.

اینکه انسان در تعامل با خود و هستی چگونه رفتار می‌کند، با توجه به شرایط جامعه محل زندگی و فرهنگ، علوم و دانش‌هایی که در آن محل تولید می‌شود، می‌تواند جهت‌گیری‌های خاصی برای انسان داشته باشد. منظور و مراد امام موسی صدر از تمدن بر این اساس است که امام برای این تبیین از مفهوم «حضاره» در لغت عرب استفاده می‌کند. امام با استفاده از این معنا در نظریه‌های تمدنی خود ابتدا توضیح می‌دهد که «حَضَر» و «سَفَر» چیست؟ بر مبنای کلام امام صدر تمدن در حضر، استقرار، آرامش و ثبات شکل می‌گیرد. این ثبات و آرامش در مقابل «سفر» است که امام از آن به «بادیه نشینی» یاد می‌کند؛ یعنی انتقال و تحرک در سفر به قدری زیاد است که امکان تأسیس یک تمدن را به دست نمی‌دهد. بنابراین شهر و شهرنشینی نقطه آغاز توجه امام به تمدن است.

امام صدر در یکی از تعاریف خود درباره تمدن می‌گوید که «تمدن شیوه‌ای از زندگی است که افراد مستقر آن را می‌سازند و یا می‌گزینند». در این تعریف چگونگی پیدایش تمدن مطرح می‌شود که بر اساس نظر امام نقش انسان در این پیدایش بسیار مهم است، انسانی که در شرایط و آرامش به تأسیس تمدن اقدام می‌کند. امام در جای دیگری برای توضیح تمدن از دو واژه بسیار مهم استفاده می‌کند: «فرهنگ» و «مدنیت».

در نگاه امام صدر فرهنگ لایه نرم و معنوی در تمدن و تمدن‌سازی است و مدنیت لایه سخت و ظاهری آن. امام فرهنگ را به حیات معنوی انسان‌ها که شامل علوم، فنون، فلسفه، ادبیات و هنر می‌شود، تعبیر می‌کند. در مقابل امام صدر «مدنیت» را نیز جلوه ظاهری و بیرونی انسان‌های شهرنشین می‌داند، که ساماندهی، آبادانی، سازندگی، آبرسانی و... از مظاهر آن است. بنابراین در تبیین مفهومی تمدن غیر از تقابلی که امام صدر بین دو مفهوم متضاد «سفر» و «حضر» ایجاد می‌کند، به بحث فرهنگ و مدنیت هم توجه داشته و این دو عنصر را از عوامل شکل دهنده تمدن می‌داند. در واقع تمدن بازتابی از حالات ذهنی و درونی انسان تلقی می‌شود.

امام موسی صدر در جای دیگری از فرهنگ به «زندگی عقلانی» تعبیر کرده‌اند. بر این اساس می‌توان به این نتیجه رسید که فرهنگ در نگاه امام یعنی زندگی عقلانی و وقتی ایشان تمدن را نیز به تمام علوم تفسیر می‌کنند، بنابراین می‌توان گفت که از نظر امام تمدن در یک فضای عقلانی به وجود می‌آید (همان).

اعتدال دینی

از نظر ارسطو چون فضائل اخلاقی با احساسات و افعال سروکار دارد و افعال و احساسات می‌توانند سه حالت افراط، تفریط و اعتدال داشته باشند، راه رسیدن به فضیلت، رسیدن به حد وسط (حد اعتدال) است. بنابراین افراط در آنها ناصواب و تفریط نکوهیده است، ولی حد وسط پسندیده است و فرد عاقل از هرگونه افراط و تفریط پرهیز می‌کند و حد وسط را جستجو می‌کند (ماریه سید قریشی و همکاران: ۹۲). اعتدال در اندیشه امام موسی صدر به ارسطو نزدیک است. بنابراین یکی از خصوصیات بارز امام صدر اعتدال و مدارا و عدم تندروی بود. «صبر، خوش اخلاقی، محبت و تسامح و توجه و تمرکز بر مسائل اصلی و نه حاشیه‌ای بخشی از ویژگی‌های اعتدال در شخصیت صدر بود. امام موسی صدر توانست با اعتدال، عمل و نظری را در این زمینه به نمایش گذارد. او معتقد است که همه انسان‌ها خوب و بر فطرت پاک خلق شده‌اند، چه بسا منافع شخصی و فساد عمومی از بروز آثار این فطرت جلوگیری می‌کند. انسان مرتکب ظلم می‌شود اما در همان حالت فطرت وی او را به کمال دعوت می‌کند. در دورانی که گریز از اسلام و اسلام هراسی هدف اصلی قرار گرفته است باید این نوع نگرش امام موسی صدر بیشتر تبلیغ شود» (اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۱).

«آنچه توانسته به فعالیت‌های امام موسی صدر در لبنان مساعدت نماید عمل بر اساس اندیشه اعتدال در جامعه پیچیده و چند فرهنگی لبنان بوده است.

امام موسی صدر در پی خلق و نهادی سازی ابعادی از وجود انسان است تا در پی آن انسان و جامعه معتدل در لبنان متکثر بروز و ظهور یابد. به اختصار، اعتدال از نظر صدر «میان‌ه روی» است. در این نظر، منادیان و «اعتدال‌گرایان» کسانی هستند که از مبارزه و پیکار محرومان و ستم‌دیدگان در داخل جوامع اسلامی تصویر درستی به دست می‌دهند و شائبه تندروی و الحاد را از آن می‌زدایند. امام موسی صدر در جایی دیگر نیز بر این نظر است که «اعتدال حاصل درک وضعیت دیگران است و باعث می‌شود که انسان درد دیگران را درد خود بداند. از نظر لکزایی دو مفهوم عدل و عدل نگاه مفهومی امام موسی صدر را از اعتدال توضیح می‌دهد. «عدل» به معنای میان‌ه روی است که در برداشت نخست کلام صدر به آن تصریح شد. عدل به نوعی در برابری، توازن، برابری دو کفه ترازو و مواردی از این دست معنا می‌یابد. شاید بتوان گفت اشاره به «امت وسط» بودن نیز با این معنای از اعتدال هماهنگ است.

«عدل» به معنای نشان دادن هر چیز در جای خود است. این معنای از اعتدال، همبستگی اجتماعی را به دنبال دارد و همان معنای دومی است که امام موسی صدر از اعتدال مطرح می‌کند که ما باید به درک وضعیت دیگران بپردازیم و درد آنان را درد خود بپنداریم. این برداشت

به معنای آن است که اشیای هستی باید از یک پیوستگی برخوردار باشند. بنابراین اعتدال در جایی است که اشیای پیرامونمان در مرحله نخست با همدیگر پیوستگی داشته باشند. در نتیجه این معنای از اعتدال به اجتماع سرایت می یابد که در آن همبستگی و پیوستگی جامعه را در پی دارد» (لکزایی، ۱۳۹۵: ۱).

جامعه متکثر

«امام موسی صدر در جامعه متکثر لبنان با توجه به تنوع قومیت ها و مذاهب انسجام و همبستگی را ایجاد کرد. در واقع ایشان در برابر مخالف خود به لحاظ نظری و عملی با گشودگی و از روی اعتدال و عقلانیت رفتار می کرد. تأکید ایشان بر پذیرش تفاوتها، همزیستی مسالمت آمیز، همبستگی اجتماعی و تأکید بر مشترکات انسانی، بین مذهبی و بین دینی مؤلفه هایی است که صدر با تأکید بر آنها تلاش کرده است به تحقق و ایجاد اعتدال در جامعه لبنانی اقدام نماید. گفتگو تنها راه رسیدن به اعتدال و عقلانیت است. ایشان البته الزامات گفت و شنود را هم ذکر می کند که عبارتند از: آزادی، امنیت، احترام متقابل، اعتماد و اطمینان متقابل» (اسماعیلی ۱۳۹۵: ۳).

«به عقیده امام موسی اختلال مناسبات میان ادیان و انسان باعث فروپاشی هر دو مفهوم در جهان معاصر شده است. مقوله تکثر ادیان به خاطر محوریت قرار گرفتن خود ادیان پدید آمده است، در این میان انسان است که می تواند وحدت ادیان را حفظ کند. از نظر امام صدر ادیان وظیفه داشتند انسان را ارتقا دهند، بنابراین در خدمت انسان بودند، اما زمانی که متولیان دین ها به خاطر برخی مصالح دین را به نسبت انسان ارجح دادند، ادیان متفرق شدند.

امام می خواهد ادیان دوباره به جایگاه اصلی خود، یعنی خدمت به انسان، بازگردند. بنابراین وحدت ادیان پایه محوری وحدت انسان هاست. اگر ادیان را در خدمت انسان قرار ندهیم در دام سکولاریسم خواهیم افتاد. بر این مبنا هیچ شباهتی میان چهارچوب های فکری امام موسی صدر با دیگر متفکران اجتماعی وجود ندارد. این تفاوت را در مباحث غایت مندی، رسالت گرایی، تمدن و ساختارهای تمدنی در منظومه فکری و عملی امام می توانید مشاهده کنید. به طور کل ساختارها و مسائل اساسی تمدن با دوگانه «انسان و خدا» متفاوت شده و وجه رسالت گرایی و هدف گرایی به خود می گیرد» (میرزایی، ۱۳۹۵: ۲).

«دین در همبستگی اجتماعی از منظر صدر مهم است که ادیان در معنای توحیدی به نوعی دارای وحدت هستند و بنابراین در همبستگی اجتماعی باید لحاظ شود. امام موسی صدر فرقه ها را تهدید تلقی نمی کند و فرصتی برای تعالی جامعه می داند. امام موسی صدر از نوعی دولت آسمانی سخن به میان می آورد و بر این باور است که چنین دولتی باید فراتر از طوایف و اقوام و مذاهب حرکت کرده و انسان را مورد توجه قرار دهد و از آسمان به مردم نگرسته و امور جامعه را فارغ از همه تعلقات تدبیر نماید» (همان).

«از نظر فیرحی امام موسی صدر معتقد بود باید به راه سوم رسید که از دوگانه فرقه گرایی و سکولاریسم عبور کرد. در این راه جدید دین ورزی است اما فرقه گرایی نیست، دموکراسی است، اما دموکراسی سکولار نیست. این دموکراسی غیرسکولار را امروز تحت عنوان دموکراسی انجمنی یا توافقی می نامند. در این تئوری دین ورزی است اما حکومت دینی نیست و دموکراسی نیز اکثریتی نیست بلکه سهمیه ای است. فیرحی معتقد است تا نتوانیم از این دوگانگی عبور کنیم نمی توانیم راه حل سومی را درک کنیم. «می توان فرقه گرایی و سکولاریسم را مردود دانست و در کنار آن از رهاوردهای دین و نتایج مثبت آن بهره گرفت بی آنکه به آثار منفی فرقه گرایی و فروپاشی جوامع مبتلا شد». از نظر فیرحی، صدر از یک طرف تکثر را به شدت می پذیرد و از طرف دیگر مذهب را می پذیرد و ما در جامعه خودمان با هم زبان هایمان که فاصله مذهبیمان بسیار کم است نمی توانیم ارتباط برقرار کنیم. در حالی که امام بحث را به همزیستی در سطح جهانی انتقال می دهد. اگر تعدد فرق باعث جدایی یا ضعفی در جامعه شود، بی تردید خطری برای کشور است اما اگر این تعدد در نهایت منجر به تبادل معارف و تجارب و تمدن ها شود به منزله نیرویی برای کشور است» (فیرحی: ۱۳۹۵، ۳).

از نظر الویری، پذیرش تکثر به معنای دامن زدن به اختلافات نیست، بلکه لازمه هویت جمعی و کار جمعی، همگرایی اجتماعی و پذیرش تکثرها و کوشش برای همگرایی با آنها است. «هرکس گمان برد که وجود فرقه های مختلف در لبنان و سازمان دهی امور این فرقه ها سبب ضعف احساسات ملی است، به این مسئله از دریچه های تنگ نگرسته است. ما بر این باوریم که وجود فرقه های سازمان یافته مختلف، نقطه آغاز همکاری و دریچه های تمدن به روی دستاوردهای میلیاردها انسان در این عصر و اعصار گذشت هاست». (الویری). «صدر از تکثر فرهنگ ها و ادیان به دنبال دست یابی سرمایه اجتماعی بوده است که با وجود تفاوت تجمعی از یک پیکره واحد را تشکیل داده اند که همه در کنار هم همبستگی ملی و انسانی را ارتقا می بخشند» همان.

تسامح و مدارا با دیگری

ضرورت تعامل با مردم هم از دیگر مباحثی است که امام موسی صدر معتقد است باید از سوی حاکمان و حکومت تعقیب و اجرا شود. بر اساس بحث های نظری و اقدامات وی و نیز گفته های دیگران به نظر می رسد ایشان به دنبال تحقق حکومت اسلامی هم بوده است اما به صورت تدریجی. نکته مهم دیگری که در اینجا می بایست بدان اشاره کرد، اینکه وی به سمت یک دولت سازی هم حرکت می کند؛ به گونه ای که می توان گفت: وی از انسان سازی و جامعه سازی و نهادسازی به دولت سازی رسید.

«انسان ها (در آغاز) همه امت واحدی بودند و در آن روز تضادی میان آن ها وجود نداشت، زندگی بشر و اجتماع او ساده بود، فطرت ها دست نخورده، و انگیزه های هوی و اختلاف و کشمکش در میان آن ها ناچیز بود. خدا را طبق فرمان

فطرت می پرستیدند و وظایف ساده خود را در پیشگاه او انجام می دادند. سپس زندگی انسان ها شکل اجتماعی به خود گرفت و می باید چنین شود؛ زیرا انسان برای تکامل آفریده شده است و تکامل او فقط در دل اجتماع تأمین می شود؛ و این مرحله دوم زندگی انسانها بود. ولی به هنگام ظهور اجتماع، اختلاف ها و تضادها به وجود آمد، چه از نظر ایمان و عقیده و چه از نظر عمل و تعیین حق و حقوق هر کس و هر گروه در اجتماع. در این جا بشر تشنه قوانین و تعلیمات انبیا و هدایت های آن ها می شود تا به اختلافات او در جنبه های مختلف پایان دهد؛ از این جا احتیاج به وضع قوانین که اختلافات پدید آمده را برطرف سازد پیدا شد، و این قوانین لباس دین و آیین به خود گرفت، و مستلزم بشارت و انذار و ثواب و عقاب شد، و برای اصلاح و تکمیلش لازم شد عباداتی در آن تشریع شود، تا مردم از آن راه تهذیب شوند. ارکان و مبانی اندیشه امت واحده عبارت اند از: دین، عقلانیت، علم و اخلاق که در پرتو امت «وحدت». وحدت باعث قوام و قدرت جامعه انسانی و تشکیل امت واحده می شود اسلامی به معنای تحقق وحدت اسلامی در مجموعه امت اسلام و حتی با سایر ادیان الهی سراسر جهان اسلام است، به گونه ای که درنهایت، نویدبخش تشکیل امت واحد انسانی باشد. ظلم و ستم برای دنیاطلبی، بی توجهی به آزمایش الهی، ایجاد اختلاف و فرقه گرایی، تفرقه افکنی توسط دشمنان، دشمنی شیطان، استهزاکردن، بدگمانی به یک دیگر، توهین کردن به یک دیگر و غیبت البته کلیه رفتارهای غیرانسانی و ضداخلاقی می تواند عامل مخربی در جهت تشکیل امت واحده یا آسیب رساندن به آن باشد. پرواضح است که امروزه و در جامعه ای که روز به روز بر تکرر و تنوعش افزوده می شود، با تأکید بر دین، مذهب، ملیت، قومیت، نژاد، زبان و سایر عناصر زندگی اجتماعی خاص هرگز نمی توان با صلح و صفا و دوستی میان ادیان و ملت ها زندگی کرد. و این ایده امت واحده جهانی است که با نادیده انگاشتن تفاوت های ظاهری و با اتفاق نظر بر ارزش های والای فطری انسانی تک تک انسان های سراسر عالم می توان در عین اعتقاد به خدای واحد متعال، و در سایه سار تعاون، همکاری و همفکری، صلح، صفا و دوستی را برای تمامی آحاد بشری به ارمغان آورد و با انواع ظلم، خودخواهی و هواپرستی به مقابله برخاست. (بهشتی و مریدی، ۱۳۹۵: ۹۷).

امام موسی صدر در هنگام ورود به لبنان پیام تسامح با دیگری را ترویج داد. و رسالتی برای آینده گان برجای گذاشت. همزیستی بین مسلمان و مسیحیان تنها با تسامح امکانپذیر می دانست. «لبنان از گذشته های دور با تسامح و

همزیستی میان مسلمانان و مسیحیان آشنا است». (صدر، ۱۳۹۵: ۱). ایشان صلح و تسامح را نشانه ایمان تلقی می کند که همه ادیان به آن باور دارند «ما تفسیری حیاتی تر از تسامح نزد امام صدر را استنباط می کنیم، که عبارت است از بالابردن شأن نیروی برادری در وطن واحد، از طریق محبت و تسامح. جهان امروز ما، بیش از هر چیز به سخنی نیاز دارد که جایگاه انسان را بالا ببرد و سخنی که انسانیت را به انسان بازگرداند، زیرا خشونت و تعصب و نژادپرستی در جوامع افزایش یافته است و انسان ها را از هم دور کرده است. از این رو، تسامح در سخنان امام، با عبارات مختلف، به هدف ساختن سرمایه ای ملی آمده است که افراد را به یکدیگر نزدیک کند و آنان را گرد هم آورد تا جامعه ای نیرومند را تشکیل دهند و ارتقا بخشند. امام موسی صدر در تساهل و درک دیگران را که با متفاوت هستند با نگاه دور اندیشی به آینده و اجماع در تمدن واحده این گونه بیان می کند: ما هم وطنانی مسلمان و مسیحی می خواهیم که با یکدیگر زندگی کنیم، علی رغم هر اتفاقی که در گذشته نزدیک یا دور افتاده باشد و علی رغم هر خونریزی و ویرانی که رخ داده باشد. آن چه رخ داده است، نتیجه کردار ما و اراده ما نبوده است. ما از آن برائت می جوئیم و بر همزیستی با یکدیگر در وطن واحد اصرار می ورزیم و با آرزوهایمان و ارزش هایمان و رسالت تمدنی مان زندگی می کنیم» (صدر، ۱۳۹۵: ۱).

نصیری ریشه های صلح را از منظر امام موسی صدر را در دو مبحث مطرح می کند، نگاه به خود و نگاه به دیگری. ایشان مطلق انگاری نسبت به خود را مطرح می کند، یکی از معضلات اساسی ما این است که ما وقتی خودمان را مطلق تلقی کنیم، چگونه می توانیم رفتار صلح آمیز با نزدیکترین کسان خود داشته باشیم؟ نکته مهم امام صدر این است که ما نباید خودمان را مطلق و خطاناپذیر تلقی کنیم. بحث «دیگری» نیز بسیار مهم است که امروزه فیلسوفان غربی روی آن بسیار تفکر می کنند. در منظومه فکری امام موسی صدر نیز نوع نگاه ایشان به «دیگری» بسیار مهم است و جای بحث دارد. اهمیت و ارزش امام موسی صدر در این است که به لوازم این مبانی انسان شناسی که برگرفته از مکتب اهل بیت است، اعتقاد راسخ دارد و تلاش می کند در مقام عمل التزام عملی به آنها داشته باشد. نکته مهم این است که پذیرش اختلاف به

صلح قابل جمع است و در میدان عمل امام موسی صدر بارها بر این نکته تاکید کرده و آن را به جوانان آموزش داده است. امام صدر بارها تاکید کرده که ما نباید انتظار داشته باشیم تا دیگران مانند ما بیندیشند و مانند ما عمل کنند» (نصیری، ۱۳۹۵: ۲).

«امام موسی صدر، نه تنها اختلاف را به رسمیت می‌شناسد، بلکه آن را نعمتی می‌داند که انسان‌ها را برای، وحدت و هماهنگی یاری می‌دهد تا بتوانند با هم باشند و با تلاش دسته‌جمعی، وظیفه جانشینی خداوند را به انجام رسانند و رسالت الهی خویش را بر عهده گیرند. از نظر ایشان در جامعه جهانی، باید اختلاف عقیده و رأی را بپذیریم و آن را جلوه‌ای از کمال و زیبایی فطری بدانیم که فرآیند آشنایی، همکاری، پیشرفت، همبستگی و وحدت را تسهیل می‌کند. این اختلاف، یا به تعبیر بهتر، این تنوع در کالبد آدمی و نیز در تصویری که اسلام از جهان هستی ترسیم می‌کند جلوه‌گر می‌شود. در واقع، بدون ایجاد هماهنگی میان تلاش‌های فرهنگی و بدون رسیدن به وحدت رویه، دستیابی به صلح امکان‌پذیر نیست. همچنین اگر بخواهیم همه روش‌ها، آراء فرآیندها و اجزای همانند و یکسان سازیم صلح حاصل نخواهد شد» (فرخیان، ۱۳۸۵: ۳۲۵).

آنچه در اندیشه امام در هنگام تعامل مطرح است پذیرش و خوش گمانی نسبت به دیگری است. نقش و تأثیر انسان‌ها را در جامعه بشری مهم می‌داند و به تعالی رسیدن انسان و درک دیگران را به وسیله افزایش علم و اعلیت انسان امکان‌پذیر می‌داند. «از دیدگاه امام، بر انسان لازم است که با توجه به رسالت وجودی خویش، موجودی علم‌گرا باشد، چرا که آدمی خلیفه و جانشین خدا بر روی زمین قرار داده شده، کلیدهای جهان هستی در اختیارش قرار گرفته و علم اسباب و علل و اسما به او تعلیم گردیده است، چندان که به امر پروردگار فرشتگان بر او سجده آوردند و همه نیروهای تکوینی به تسخیر او درآمد. پس تنها راه رسیدن به جایگاه اصلی انسان، یعنی مقام جانشینی خدا بر روی زمین، آن است که نیروهای بالقوه را به فعلیت برساند، از جهان هستی و نیروهای موجود در آن آگاهی یابد و قوانین موجود در آن را کشف کند» (همان).

نقش گفت و گوی ادیان از دیدگاه صدر

امام صدر علاوه بر تکنیک دین اجتماعی برای اینکه امکان اصلاح گری را در اندیشه به دست آورد، به سمت «حاشیه‌ها» حرکت می‌کند. امام صدر بدون توجه به کلیشه‌ها در همه مسائل شیعه، از عدل و امامت تا عصمت، غیبت، زیارت قبور و... با فرقه‌ها و ادیان دیگر گفت و گو می‌کرد. از سوی دیگر او در طول زندگی خود تلاش کرد که علاوه بر شیعیان، گروه‌هایی مثل زنان، یتیمان و محرومان را مورد توجه قرار دهد. اگر اқشار و طبقاتی این چنین در جامعه باشند، گفت و گویی شکل نمی‌گیرد و امکان دارد آن‌ها در اثر سکوت به سمت خشونت و اقدامات رادیکال حرکت کنند. امام صدر با کمک رسانی به این گروه‌ها و دادن آموزش‌های مختلف، گروه‌های حاشیه‌ای را قدرتمند ساخت. امام صدر به نهادسازی اعتقادی وافر داشت، به نحوی که در مدت فعالیت‌های خود مجالس، احزاب، نشست‌ها و کنفرانس‌های زیادی را ایجاد نمود. شیوه کار او فعالیت‌های جمعی و مورد خطاب قرار دادن همه گروه‌ها بود. نهادسازی یکی از اصلی‌ترین تکنیک‌هایی است که امام صدر از آن بهره می‌گرفت و با استفاده از فنون کار جمعی و تشکیلاتی فرایند رسیدن به درک و تفاهم و ایجاد کارآمدی‌های اجتماعی را سروسامان می‌داد (جوادی، ۱۳۹۵: ۱).

مقوله «گفت‌وگو» بنیان این تمدن اسلامی بود که از نقطه اول از خود دعوت نبوی شروع شد که می‌توان آن را به عنوان یکی از پایه‌های اصلی تفکر امام موسی صدر نیز به حساب آورد. شباهت بسیار شگفتی بین رفتار تمدنی امام موسی صدر با چگونگی دعوت پیامبر وجود دارد. از میان سفرهای گسترده امام و ملاقات‌های متعددش با شخصیت‌های مختلف می‌توان به خوبی مشاهده کرد که چگونه ایشان از منطق بعثت نبوی الگوی حرکتی خود را گرفته و در عمل با توجه به شرایط زمانه خود آن را اجرا کرده و گفت‌وگو را به سبک جدیدی رسانده است. با عنایت به منطق گفت‌وگویی که در قرآن هست، می‌توان سیره، روش و مشی امام موسی صدر در یک منطق گفت‌وگویی خودش را دنبال کرد. اصول گفت‌وگوی تمدنی در قرآن گوش دادن به مدعیات مخاطب و اهمیت بحث استماع است. شاید به تعبیر برخی از بزرگان روح این اندیشه، گفت‌وگو شوند است نه گفت‌وگو به معنای یک طرفه. استماع در قرآن منطق روایی دارد و شنیدن سخن دیگران همانگونه که به آن اعتقاد و باور دارند از اصول این گفت‌وگوها بوده است. حاکمیت فضای علمی و اجتناب از فضای احساسی که از برخی آیات قرآنی استنباط می‌شود، دومین ویژگی از گفت‌وگوهای است که می‌تواند به تمدن منجر شود. آیات متعددی که در قرآن وجود دارد و بر گفت‌وگو در هر شرایط با پیروان اندیشه‌ها و مذاهب و ادیان دیگر تاکید می‌کنند، بسیار مورد استفاده امام موسی صدر است. بر مبنای این آیات اگر تنها یک زمینه مشترک هم وجود داشته باشد باید فضای گفت‌وگو فراهم شود. چه برسد با گروه‌هایی که زمینه‌های اشتراک بیشتر وجود دارد و طبیعتاً باید گفت‌وگوهای بیشتر جریان پیدا کند. همچنین لزوم قرار گرفتن در یک سطح یکسان میان گفت‌وگوکنندگان نیز از میان قرآن استخراج می‌شود و در سیره گفت‌وگویی امام موسی صدر کاملاً مشهود است. امام صدر شیوه جدیدی از گفت و گو را ایجاد کرد که در رشد تمدن‌ها نقش مهمی دارند. امام صدر ویژگی‌های این شیوه جدید از گفت‌وگو شامل موارد زیر می‌شود: احترام به انسان، احترام به دیدگاه‌ها و عقاید انسان‌ها، رفع ابهام، قیّم ندانستن خود نسبت به دیگری و نسبت به انسان، سخن نگفتن از طرف انسان و اجازه دادن به اینکه خود او سخن و

دیدگاهش را بیان کند و اجازه ندادن به ستمگرانی که در حکم معبودان زمین هستند و می‌خواهند اراده خودشان را بر انسان تحمیل کنند»
باغستانی، ۱۳۹۵: ۶).

نتیجه گیری

به عقیده امام موسی اختلال مناسبات میان ادیان و انسان باعث فروپاشی هر دو مفهوم در جهان معاصر شده است. مقوله تکثر ادیان به خاطر محوریت قرار گرفتن خود ادیان پدید آمده است، در این میان انسان است که می تواند وحدت ادیان را حفظ کند. از نظر امام صدر ادیان وظیفه داشتند انسان را ارتقا دهند، بنابراین در خدمت انسان بودند، اما زمانی که متولیان دین ها به خاطر برخی مصالح دین را به نسبت انسان ارجح دادند، ادیان متفرق شدند. امام موسی صدر از مذهب، دین، ملیت در جهت تحکیم جامعه متکثر لبنان استفاده نموده است و سعی در وحدت بخشیدن مذاهب، فرق و ادیان مختلف را داشت و در جهت تقریب مذاهب در لبنان کوشیده است و در برخی از اختلافات میانچی گری کرده است.

اندیشه امام موسی صدر، نه تنها اختلاف را، که موجب تمییز مردم از یکدیگر است، می پذیرد و به رسمیت می شناسد، بلکه آن را نعمتی می داند که انسان ها را در راه تلاش، وحدت و هماهنگی یاری می دهد تا بتوانند با هم باشند و با تلاش دسته جمعی، وظیفه جانشینی خداوند را به انجام رسانند و رسالت الهی خویش را بر عهده گیرند. چرا که از نظر ایشان در جامعه جهانی، باید اختلاف عقیده و رأی و محصول را بپذیریم و آن را جلوه ای از کمال و زیبایی فطری بدانیم که فرآیند آشنایی، همکاری، پیشرفت، همبستگی و وحدت را تسهیل می کند. امام صدر با استنباط از آیات قرآن روشی جدید در گفت و گو ایجاد کرد، گفت و گویی بر اساس احترام محبت و تسامح با دیگران که عقاید مخالف با ما دارند.

منابع و مراجع

- [۱] فیرحی، د، گزارش خبرآنلاین به نقل از روابط عمومی موسسه امام موسی صدر، شانزدهمین نشست اندیشه و عمل، با موضوع «امام موسی صدر و سبک زندگی مسلمانی در جامعه متکثر»، تهران: ۱۳۹۵.
- [۲] لکزایی، ش، الویری، م، باغستانی، م، همایش «گفت‌وگو و تمدن در اندیشه امام موسی صدر»، همایش‌های پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم: ۱۳۹۵.
- [۳] قریشی، م و همکاران، فصلنامه کلام و دین‌پژوهی شماره ۲۰، ۱۳۹۰.
- [۴] بهشتی، ع، مریدی، ف، الگوی الهیات اجتماعی اسلامی در اندیشه و آثار امام موسی صدر، امت واحده، جستارهای فلسفه دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
- [۵] صدر، ر، سخنرانی در همایش «ادیان در خدمت انسان» پاریس، ۱۳۹۵.
- [۶] نصیری، ع بررسی آرا و اندیشه‌های امام موسی صدر، سومین نشست مقدماتی همایش بین‌المللی نقش ادیان در اخلاق، صلح و عفو و دوستی، ۱۳۹۵، شیراز.
- [۷] فرخیان، م، اندیشه ربوده شده، چاپ اول، انتشارات موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، ۱۳۸۵.
- [۸] جواد، م، «همایش گفت‌وگو و تمدن در اندیشه امام موسی صدر» همایش‌های پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵.